

زخم جنگ بر چهره میراث ملی

در چهل روز درگیری، ۱۴۹ اثر تاریخی در ۲۰ استان آسیب دیدند؛ از کاخ گلستان تا نقش جهان، خسارتی ۷.۵ همتی که مرمت آن با کمبود بودجه و مهاجرت مرمت گران، به چالشی ملی تبدیل شده است



مرجان حاجی رحیمی

کارشناس میراث فرهنگی

میراث فرهنگی میان فراموشی و فرسایش

ایران سرزمینی با پیشینه چندین هزار ساله در تمدن و شهرنشینی است؛ کشوری که لایه‌های متراکم تاریخ در معماری، هنر و آیین‌های آن رسوب کرده است. با این حال، مرور گذشته نشان می‌دهد که در بسیاری از دوره‌ها، پاسداشت این میراث آن‌گونه که شایسته بوده، جدی گرفته نشده است. تغییر حکومت‌ها اغلب با حذف نشانه‌های دوره پیشین همراه بوده؛ چنان که در عصر ساسانی برخی نقش برجسته‌های پیشین تراشیده شد تا آثار جدید بر همان بستر حک شود. این رفتار تنها یک کنش سیاسی نبود، بلکه به تدریج الگویی فرهنگی را بازتولید کرد که در آن «جایگزینی» بر «حفظ» ترجیح داده می‌شد؛ الگویی که آثار آن را در دوره‌های بعدی نیز می‌توان مشاهده کرد و ردپایش هنوز در برخی نگرش‌های عمومی دیده می‌شود. این رویکرد به مرور از سطح قدرت به لایه‌های اجتماعی نیز سرایت کرد. در زندگی روزمره کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اسناد، نامه‌ها یا اشیای به‌ظاهر کم‌اهمیت نسل‌های پیشین را با دقت نگهداری و روایت کند. خانه‌های قدیمی که حافظه یک محله را در خود دارند، اغلب به دلیل فرسودگی یا ارزش اقتصادی زمین، تخریب می‌شوند. مفهوم «کلنگی» به تدریج جای «میراثی» را گرفته است. حال آن‌که همون خانه‌های ساده، با دیوارهای نم‌خورده و حیاط‌های خاموش، حامل بخشی از هویت شهری و خانوادگی اند؛ هویتی که با تخریب هر بنا، بخشی از آن برای همیشه از دست می‌رود و حلقه‌ای از زنجیره حافظه جمعی گسسته می‌شود. در جامعه‌ای که مطالبه عمومی برای حفاظت از میراث فرهنگی فراگیر نیست، انتظار اولویت یافتن این حوزه دشوار است. مدافعان حفظ آثار تاریخی گاه با برچسب‌هایی چون تجمّل گرایی یا بی‌دغدغگی روبه‌رو می‌شوند. این وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که کشور با پیامدهای یک درگیری نظامی نیز مواجه باشد. جنگ چهل‌روزه اخیر، بنا بر گزارش‌ها، به شماری از آثار تاریخی در شهرهایی چون تهران و اصفهان آسیب وارد کرده است؛ در میان آنها، بناهایی با ثبت ملی و حتی جهانی نیز دیده می‌شود. چنین رخدادهایی پرسشی جدی را پیش می‌کشد: آیا در میانه بازسازی اقتصادی و ترمیم زیرساخت‌ها، جایی برای احیای حافظه تاریخی نیز در نظر گرفته خواهد شد؟ حتی پیش از این درگیری نیز منابع مالی حوزه میراث فرهنگی محدود بود. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، ردیف «حفاظت، احیا و مرمت میراث فرهنگی کشور» بدون افزایش نسبت به سال قبل، ۲۵۰ میلیارد تومان را نشان می‌داد؛ رقمی که با توجه به تورم و رشد هزینه‌های مرمتی، عملاً به معنای کاهش توان اجرایی تلقی می‌شد. اکنون، با فشار مضاعف بر منابع عمومی، این پرسش پررنگ‌تر شده است که مرمت بناهای آسیب‌دیده چه جایگاهی در اولویت‌های ملی خواهد داشت. کمک‌های بین‌المللی می‌تواند بخشی از راه حل باشد، اما تصمیم‌نهایی به اراده سیاست‌گذاران داخلی بازمی‌گردد؛ اراده‌ای برای برقراری توازن میان بازسازی اقتصاد و صیانت از حافظه تاریخی کشوری که هویتش در همین لایه‌های ماندگار تعریف می‌شود.

“

آسیب به بناهای تاریخی، تنها ویرانی چند دیوار و گنبد نیست؛ این رخداد، رشته پیوندیک ملت با حافظه تمدنی و روایت زیسته گذشته‌اش را سست می‌کند

چهل روز درگیری و تجاوز نظامی، تنها زیرساخت‌های اقتصادی و تأسیسات حیاتی ایران را هدف قرار نداد؛ دامنه این تخریب‌ها به حوزه‌ای عمیق‌تر و ماندگارتر نیز رسید: میراث تاریخی و فرهنگی کشوری که لایه‌های تمدنی آن به بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش بازمی‌گردد. بر پایه آمارهای رسمی وزارت میراث فرهنگی، در جریان این حملات دست کم ۱۴۹ اثر تاریخی، فرهنگی و موزه‌ای در ۲۰ استان کشور آسیب دیدند؛ مجموعه‌ای که در میان آنها پنج اثر ثبت جهانی، هفت بافت تاریخی و ۵۴ موزه حاوی آثار ارزشمند ملی و محلی قرار دارد. برآوردها نشان می‌دهد خسارت وارد شده به این حوزه به حدود ۷.۵ همت می‌رسد؛ رقمی که در شرایط اقتصادی کنونی، فرایند مرمت و احیای این گنجینه‌ها را به مسیری پیچیده و زمان‌بر بدل می‌کند. چنان که وزیر میراث فرهنگی تأکید کرده است، «وقتی یک بنای تاریخی آسیب می‌بیند، در حقیقت جهانی از تاریخ و هویت آسیب می‌بیند».

جغرافیای خسارت میراث بر اساس تازه‌ترین برآوردهای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، دامنه این حملات ۲۰ استان کشور را دربر گرفته و در مجموع ۱۴۹ اثر تاریخی و فرهنگی دچار آسیب شده‌اند. بیشترین حجم تخریب‌ها در استان‌های

بودجه بازسازی ناکافی است

محمد مهدی کلاتری، کارشناس میراث فرهنگی، چالش‌های بازسازی آثار تاریخی آسیب‌دیده را واکاوی می‌کند

جنگ اخیر، میراث فرهنگی ایران را با زخمی عمیق و پرسش‌هایی دشوار روبه‌رو کرده است؛ از تأمین بودجه مرمت و امکان دریافت غرامت بین‌المللی تا حفظ اصالت بناهای آسیب‌دیده. محمد مهدی کلاتری، کارشناس میراث فرهنگی و رئیس پویش بناها و بافت‌های تاریخی کشور، در گفت‌وگو با ما به این چالش‌ها پاسخ می‌دهد.

- وضعیت خسارت وارد شده به میراث فرهنگی ایران پس از جنگ اخیر چگونه است؟ آمار رسمی چه می‌گوید؟** بر اساس گزارش‌های رسمی وزارت میراث فرهنگی، در جریان جنگ اخیر دست کم ۱۴۹ اثر تاریخی در ۱۸ استان کشور آسیب‌دیده‌اند. این خسارت‌ها از اصابت مستقیم و موج انفجار تا اختلال در سازه و تخریب تزیینات ظریف بناها را شامل می‌شود. در میان آن‌ها چهار اثر ثبت جهانی — کاخ گلستان، میدان نقش جهان، کاخ چهل‌ستون و مجموعه قلعه فلک‌الافلاک و تپه خرم‌آباد — نیز آسیب دیده‌اند که امکان پیگیری حقوقی بین‌المللی دارند. سایر بناها در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند و مسیر شکایت جهانی برایشان محدود است. در برخی موارد شدت خسارت بسیار بالا بوده؛ چنان که ساختمان تاریخی سادر بخش‌هایی تا ۷۰ تا ۸۰ درصد آسیب‌دیده و بخشی از تزیینات معماری برخی کاخ‌ها و بناهای تاریخی نیز تخریب شده است.

- بودجه میراث فرهنگی در سال‌های گذشته معمولاً در اولویت‌های پایین‌تر بوده است. با این حجم خسارت، دولت تا چه اندازه توان تأمین منابع بازسازی را دارد؟**

میراث فرهنگی در دهه‌های گذشته هرگز در شمار اولویت‌های اصلی بودجه‌ای دولت نبوده و فاصله اعتبارات آن با بودجه‌های عمرانی کلان، مانند

تهران، اصفهان و کردستان ثبت شده است؛ استان‌هایی که به ترتیب با ۲۷،۷۰ و ۱۳ اثر آسیب‌دیده در صدر فهرست قرار دارند. پس از آن، استان‌های خوزستان، کرمانشاه، لرستان و قم نیز با ۴،۵۰، ۱۲ و ۲ اثر خسارت‌دیده از جمله مناطق درگیر با این آسیب‌ها محسوب می‌شوند. طبقه‌بندی نوع خسارت‌ها نیز تصویری دقیق‌تر از ابعاد ماجرا ارائه می‌دهد. بر اساس این ارزیابی‌ها، ۷۴ اثر تاریخی در اثر موج انفجار آسیب‌دیده‌اند، ۴۲ اثر بر اثر برخورد مستقیم با حریم آثار دچار خسارت شده و ۳۳ اثر نیز به دلیل اصابت به عرصه آثار آسیب‌دیده‌اند. در میان بناهای آسیب‌دیده، نام آثاری چون کاخ گلستان در تهران، مجموعه میدان نقش جهان و مسجد امام در اصفهان و نیز قلعه تاریخی فلک‌الافلاک در لرستان — که همگی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند — بیش از دیگران جلب توجه می‌کند. آسیب به این بناها صرفاً تخریب چند سازه تاریخی نیست، بلکه ضربه‌ای به حافظه فرهنگی یک ملت است؛ زیرا با فرسایش یا نابودی چنین آثار شاخصی، پیوند نسل‌های امروز و فردا با گذشته تاریخی و میراث مادی کشور نیز تضعیف می‌شود و بخشی از تاریخ ملموس جامعه در معرض فراموشی قرار می‌گیرد.

- مرمت و بازسازی آثار** با اعلام آتش بس، وزیر میراث فرهنگی از آغاز فوری عملیات



مرمت آثار آسیب‌دیده خبر داد و «پویش ملی و بین‌المللی مرمت آثار تاریخی» را راه‌اندازی کرد. با این حال، مهم‌ترین مانع در مسیر بازسازی، محدودیت شدید منابع مالی است. بودجه مصوب سال ۱۴۰۴ وزارت میراث فرهنگی تنها ۲۵۰۰ میلیارد تومان برآورد شده و بخش عمده آن پیش از آغاز جنگ صرف پرداخت حقوق کارکنان شده است. در چنین شرایطی، حتی طرح‌های در دست تهیه نیز بدون تخصیص بودجه موثر، از مرحله برنامه‌ریزی فراتر نخواهند رفت.

وزیر میراث فرهنگی تأکید کرده است که مرمت آثار آسیب‌دیده باید در اولویت تخصیص منابع عمرانی سال جاری قرار گیرد و معاونت میراث موظف است با تعیین سلسله‌مراتب اهمیت آثار، روند عملیاتی بازسازی را آغاز کند. پویش ملی و بین‌المللی یاد شده نیز با مشارکت دانشگاهیان و نخبگان، تلاشی است برای جلب حمایت‌های داخلی و خارجی در مسیر احیای این گنجینه‌ها.

بحران نیروی متخصص

فراتر از محدودیت بودجه، بحران کمبود نیروی متخصص مرمت به چالشی مضاعف بدل شده است. طبق آمار رسمی، بیش از ۶۰ درصد از مرمت کاران تأیید